

درخواست قصاص مادر؛ برای قتل دختر خردسال

پرونده زن جوان که با خوراندن متادون دختر خردسالش را کشته بود، برای محاکمه به دادگاه ارسال شد. به گزارش خبرنگار جام جم، بیست و چهارم آذر سال گذشته دختری دوساله بعد از انتقال به بیمارستانی در پایتخت فوت شد. مادرش مدعی بود او با پسرخوار پنج ساله اش بر سر اسباب بازی دعوا کرده که سر فرزندش به زمین خورده و فوت شده. اما معلوم شد وی را به قتل رسانده است. دیروز مادر کودک کشته شده برای آخرین جلسه تحقیقات به شعبه اول

بازرسی دادرسی جنایی تهران منتقل شد و گفت: چند روز قبل از مرگ فرزندم از دماوند به تهران آمدم و مهمان خانه خواهرم بودیم. آن روز دخترم مدام گریه می کرد و بهانه می آورد، بی بردم قرص متادون شوهرخواهرم زیر بخاری افتاده است. آن را برداشتم و در آب حل کردم و به دخترم دادم که بعد از خوردن آن آرام گرفت. دیگر گریه نمی کرد و بعد هم خوابش برد. خواهرم می دانست که این کار را انجام دادم و تصور می کردم هیچ مشکلی پیش نمی آید و بعد

گزارش «جام جم» از بخش های مختلف زندان بندرعباس

۱۲۰ دقیقه همنشینی با زندانیان



محمد غمخور
دبیر گروه حوادث

پس از سفر طولانی، سرانجام به مقصد می‌رسیم. اینجا زندان مرکزی بندرعباس و قرار است از بخش‌های مختلف آن بازدید داشته باشیم. ساعت ۳۰ و دقیقه صبح معمولاً هوا تا حدی باید خنک باشد اما اینجا انکار چله تابستان و خرمایران است، آن قدر شرجی که سخت می‌توان نفس کشید. جلوی در طوسی رنگ زندان

ایستاده‌ایم که شاید ضخامتش حدود ۱۵ سانتی‌متر است. نمای آجری ساختمان اداری هم کم و بیش از بیرون زندان پیداست. انکار روز ملاقات نیست و اطراف محوطه زندان سوت‌و‌کور است. حدود ۲۰۰ متر با ماشین داخل محوطه می‌رویم تا می‌رسیم به اتاق رئیس زندان. یادگوری که به سروکله‌مان می‌خورد: عجیب دلچسپ و گواراست. کارکنان

زندانی بدون محل یخت ویز

اینجا برخلاف زندان قزل حصار که اجاقخانه داشت، از اجاقخانه خبری نیست و زندانی‌ها فقط یک پلوپز برقی دارندکه غذای‌شان را با آن گرم‌کنند، یکی از زندانی‌ها می‌گوید اگر غذا را دوست نداشته باشیم، کتری‌نگی است که به آن غذاسفرش می‌دهیم. آنها برای پرداخت مخارج خود یک کارت اعتباری دارند که موجودی‌اش با یا پرداخت بیرون از زندان برمی‌شود یا با کاری که در کارگاه خوداشتغالی انجام می‌دهند. می‌پرسم غذای زندان را دوست نداری، «چرا؟ غذای‌شان خوب است، ما مخب ما با این وعده‌ها سیر نمی‌شویم.»

کارگاه خوداشتغالی

می‌رسیم به کارگاه خوداشتغالی. بعضی از زندانی‌ها به جای هواخوری ترجیح می‌دهند به کارگاه بروند که از صبح تا ظهر برقرار است. اینجا زندانیان بیشتر کار چوب انجام می‌دهند. چند غرفه دارد و کار زندانیان یکی از غرفه‌ها تغییر سازه‌ای چوبی مثل سه‌تار است. زندانی‌ها اینجا اول کارآموز هستند و بعد مشغول کار می‌شوند. آنها سه چهارماه اول کارآموزی هیچ حقوقی نمی‌گیرند تا زمانی‌که از آب و گل دربیایند. اتهام یکی از زندانی‌های اینجا، نگهداری ۶۵۰ لیتر مشروب است و قاضی‌برایش ۸۳۳ میلیون تومان جریمه و چهار و نیم ماه حبس بریده، می‌پرسم ساقی بودی؟ «نه بابا، همه‌اش مشرف شخصی بود. خودم، پدرم و پدربزرگم مشروب خوریم. خودمان داخل کوزه آماده کرده و بعد خاک می‌کردیم تا عمل بیاید و بخوریم، من کارگر ساندویچی بودم و یک‌هزاری از این راست وریست کردن مشروب درآمدی نداشتیم.»

وارد بند دیگری می‌شویم. پیرمرد ۶۰ ساله‌ای آنجاست که اتهامش قتل و هشت سالی است که زندانی شده. می‌گوید باجنابم یک نفر را به کارگاهم آورد و خفه‌کرد و از آن موقع تا حالا پای من به عنوان مشارکت در قتل، گیر است. اولیای دم رضایت داده‌اند، حالا منده یک ولی دم ۱۲ ساله که قرار است قوه قضاییه در مورد آن نظر بدهد، شاید آزاد شدم.

تلفن درسول

همین‌طور که اطراف را برانداز می‌کنم، چشمم به اتاقی می‌افتد که تلفن دارد. یکی از زندانی‌ها در مورد وضعیت تلفن می‌گوید: «اینجا از تلفن کارتی و صف خبری نیست. همه یک دک هشت رقمی داریم که اول باید دک را سر یک ورقه چک، کارش به زندان کشیده. او راننده جاده اصفهان – بندرعباس بود: «من به عنوان راننده نمونه شناخته شدم و چندباری اسم و مصاحبه‌ام در رسانه‌ها چاپ شده است.» ساعت از ۱۱ گذشته و بازدید از زندان هم تمام شده است. پشت این در طوسی‌رنگ فلزور، زندانیان آرزو دارند تا یک بار دیگر بدون تعیین ساعت هواخوری، وقت ملاقات، تلفن‌کدی و پلوپز و کتری‌نگ، آزادانه نور خورشید را ببینند، هوا آزادانه ببلعند، بدون تعیین ساعت تلفن با خانواده حرف بزنند و در یک کلام، آزاد ورها مثل پرنده‌ها زندگی کنند.



از چند ساعت حال دختر خردسالم بهتر می‌شود اما این‌طور نشد و روز بعد که رفتم او را پیدا رکنم مرده بود. پشیمانم و با اشتباهم جان تنها فرزندم را گرفتم، محسن اختیاری، بازرس شعبه اول دادرسی جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: پرونده این زن با صدور جلب به دادرسی به اتهام مباشرت در قتل عمدی فرزندش در حالی به دادگاه برای محاکمه ارسال شد که شوهرش برای او درخواست قصاصی کرده است.

رئیس کل دادگستری هرمگان صحبت‌هایش را با این توضیحات شروع می‌کند که در این زندان، ۵۱۵۶ زندانی حضور دارند. ۳۲۲ نفر از آنها از اتباع خارجی، ۴۷۰ نفر غیربومی و ۱۱۶ نفر هم زن هستند و آمار بیشترین جرائم هم مربوط به سرقت و مواد مخدر است. می‌گوید در زندان روان شناس و کارشناس مذهبی داریم و برنامه‌های متعدد فرهنگی و آموزشی هم اجرا می‌شود. از روابط میان زندانیان و زندانبان‌ها حرف زد که خشک و خالی نیست و رابطه عاطفی با یکدیگر دارند. حتی از یک زندانی صحبت می‌کند که در زندان کتاب می‌نویسد: «افرادی در زندان حضور دارند که ضرورت داشته باشد. اینجا زندانیانی داریم که جرائم سنگینی مثل قتل و مواد مخدر دارند. آمار برگشت به زندان هم پایین است و سه چهار زندانی مالی داریم که تازه وارد زندان شده‌اند.» قهرمانی در مورد ملاقات خانواده‌ها با زندانی‌ها هم توضیح می‌دهد که اینجا چهار نوع ملاقاتی داریم: حضوری که یکی دو ساعت طول می‌کشد، در ملاقات کابینی و ملاقات خانوادگی دو طرف بین ۲۴ تا ۴۸ ساعت با هم هستند. چهارمین نوع ملاقاتی هم تصویری است و اینجا تکنولوژی و اینترنت به داد زندانیان می‌رسد که بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه فرصت دارند تا با خانواده‌های‌شان گپ بزنند. او لایه‌لای توضیحاتش می‌گوید کارش را به عنوان قاضی ناظر در قوه قضاییه شروع کرده است. خاطره‌ای هم از آن زمان برای‌مان تعریف می‌کند که ته آن خوب تمام نمی‌شود: «آن موقع معلمی در آزمایشگاه با همکارش درگیر شد و او را با چاقو کشت. آن زمان همسر مقتول باردار بود. خلاصه بعد از ۱۸ سال با کمک دادستان کل برای او رضایت گرفتیم اما نکته تلخ ماجرا این بود که خانواده‌اش بعد از آزادی او را تحویل نگرفتند.»

بازدید از بخش‌های مختلف زندان

حالا وقت بازدید از اندرنگاه هاست. اولین بخش زندان، سالن درمان است. راهرویی تروتیمیز که دو طرف آن اتاق‌هایی با تابلو نوشته تزریقات، بستری، رادیولوژی، آزمایشگاه و دندان پزشکی از هم تفکیک شده. اتاق متادون تزایی وارد پلوپزی با دستگاه‌های عکس‌برداری هم دارد. اتاق بستری‌اش سه تخت با روکش سبز دارد که به فاصله یک و نیم مترکنار هم چیده شده است. از مدیر بخش درمان آمار دکترهایش را می‌خواهم: «۱۰ پزشک عمومی و پنج متخصص داریم که با پرستاران در درمان می‌شود» ۴ نفر، آگهی‌بیماری‌حالت بد بوده و لازم باشد به مرکز درمانی مجهزتر منتقل شود. اول با تشخیص پزشک و بعد با تأیید رئیس زندان و قاضی ناظر این کار انجام می‌شود.»

برش

در بند زنان چه خبر بود؟

از آنجا به سمت زندان زنان حرکت می‌کنیم. مردان را به بخش زندان زنان راه نمی‌دهند و فقط خانم‌ها وارد آنجا می‌شوند. بعضی مادران زندانی، بچه‌های قد و نیم قد دارند. از مسئولش می‌پرسم چطور بچه‌ها کنار مادران‌شان هستند، «بچه‌ها تا ۷۵ سالگی می‌توانند با مادرشان باشند و بعد تحویل بهزیستی می‌شوند. اینجا مهدکودک و اتاق مادر و کودک هم

اتفاقیه

قتل با دستور اجنه برای سرقت گوشی

دختر ۱۰ ساله که همبازی‌اش را به خاطر حسادت با سنگ و ضربه‌های چاقو در بالای تپه کشته بود، بازداشت شد. متهم به قتل مدعی بود برای تصاحب گوشی او با دستور صدای اجنه که به گوشی می‌رسید، دست

به گزارش خبرنگار جام جم، پیش از ظهر دهم اسفند سال گذشته دختر ۱۰ ساله تبعه خارجی برای بازی با دوستانش از خانه‌شان در محل مسعودیه تهران بیرون رفت و ناپدید شد. عصر همان روز پسران همسایه برای بازی فوتبال به تپه‌های اطراف مسعودیه رفته بودند که جسد او را یافته و به پلیس و خانواده‌اش اطلاع دادند. وقتی نیمه جنایی پلیس آگاهی تهران به آنجا رفت و جسد را یافت، معلوم شد او همان ستایش ۱۰ ساله گمشده است که با ضربه‌های سنگ و چاقو به قتل رسیده و ساعتی از مرگش می‌گذرد. تحقیقات مأموران اداره دم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. با تحقیق از خانواده مقتول معلوم شد آنها با افرادی اختلاف مالی، کاری و خانوادگی داشتند و احتمال می‌رفت آنها در این ماجرا نقش داشته باشند که احضار شدند اما بعد از تحقیقات، چون

جام جم

حوادث INCIDENT

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ شماره ۶۷۶۱

کوتاه‌از حوادث

کودک ربایی به خاطر اختلاف

مردی که در پی اختلاف با فردی، دختر ۱۸ ماهه او را در شهرستان تالش ربوده بود، بازداشت شد. سردار عزیزا...ملکی، فرمانده انتظامی استان گیلان در این باره به جام جم گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک مورد کودک ربایی در شهرستان تالش، تحقیقات آغاز شد. سرانجام مخفیگاه آدم ربای فراری در شهرستان خلخال به دست آمد. متهم در کمتر از ۲۴ ساعت پس از فرا، بازداشت شد. متهم ۳۶ ساله اعتراف کرد با این خانواده اختلاف داشته و به قصد انتقام، دختر ۱۸ ماهه را ربود اما ناکام ماند.

بازداشت قاتل خانواده مریوانی

مردی که در شهرستان مریوان سه عضو خانواده‌اش را به قتل رسانده و گریخته بود، بازداشت شد. سردار علی آزادی، فرمانده انتظامی استان کردستان در این باره به سایت پلیس گفت: نیمه دوم فروردین امسال، در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر قتل سه نفر از اعضای یک خانواده با سلاح گرم، پدر ۴۳ ساله، مادر ۳۸ ساله و دختر ۱۲ ساله در مریوان، تحقیقات پلیسی آغاز و معلوم شد پسر خانواده دست به جنایت زده است که تحقیقات برای دستگیری‌اش آغاز و بعد از یک ماه فرا سرانجام بازداشت شد. از او دو قبضه سلاح جنگی کشف شد. او اعتراف کرد که در پی اختلاف خانوادگی، سه عضو خانواده‌اش را کشته است.

معلم، ناجی دانش آموزان شد

معلم فداکار با به خطر انداختن جان خود در سیلاب توانست دو دانش آموز خود را نجات دهد. به گزارش اداره کل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری، افسین امیران، مدیرکل آموزش و پرورش در این باره گفت: فرید محمودی، این معلم فداکار در پی بارش شدید باران طهر دو روز پیش دو نفر از دانش آموزان اول ابتدایی مدرسه امام خمینی (ره) روستای کچوز از توابع شهرستان کوهرنگ را که در محل مسیر سیل گرفتار شده بودند، نجات داد. اقدام اید این معلم قابل تقدیر است. او نمونه‌ای از یک معلم جهادی و انقلابی است. همچنین فرید محمودی، معلم فداکار در این رابطه گفت: محل زندگی دو نفر از دانش آموزانم در آن طرف رودخانه قرار دارد که با کمک اهالی برای عبور آنها بل سنگی احداث شد و در بارش فصلی باران موجب از بین رفتن این پل و ایجاد مشکل برای دانش آموزان شد. روز دوشنبه پس از تمام شدن کلاس درس، بارش باران شروع شد به همین دلیل به سراغ دانش آموزان رفتم تا از عبور آنها از رودخانه مطمئن شوم. وقتی به رودخانه رسیدم، متوجه شدم که سیل، پل را تخریب کرده و دانش آموزان در وسط رودخانه گرفتار شده‌اند و تقاضای کمک دارند. در کمترین زمان، خودم را به دانش آموزان رساندم و آنان را از رودخانه عبور دادم.

نجات بعد از ۳ ماه اسارت

جوان کنه‌جویی که سه ماه پیش به گروگان گرفته و به مرزهای شرقی کشور منتقل شده بود، آزاد شد. به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان کرمان، امید رضایی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کهنوج در جنوب کرمان در این باره گفت: اسفند سال گذشته پس از اطلاع از یک مورد آدم ربایی در شهرستان کهنوج، تحقیقات مأموران در این رابطه آغاز شد. در جریان تحقیقات با استفاده از ظرفیت مصلحین و سران طوایف، فرد ربوده شده را بعد از سه ماه از اسارتگاه آدم ربایان نجات دادند. متهمان انگیزه‌شان، اخذای بوده که بعد از رها کردن گروگان، متواری شدند.

کلاهبرداری به بهانه اخذ ویزا

رئیس پلیس آگاهی پایتخت از کلاهبرداری ۲۲ میلیارد ریالی با شگرد اخذ ویزا خبر داد و گفت: یک متهم در این رابطه دستگیر شده است. سردار علی ولیپور کودزی در این باره به جام جم گفت: با وقوع کلاهبرداری‌های سریالی از شهروندان تحت عنوان اخذ ویزای کشورهای اروپایی، تحقیقات مأموران اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران در این رابطه آغاز شد. رئیس پلیس آگاهی پایتخت افزود: تحقیقات ابتدایی حکایت از آن داشت که یک مرد جوان اهل کشور افغانستان با چرب‌زبانی و ادعای نفوذ در سفارتخانه‌ها از شهروندان در تهران، مشهد و کرج مبلغ ۲۲ میلیارد ریال پول دریافت کرده است.

وی افزود: متهم تحت تعقیب بود که سرانجام رد مخفیگاهش در محله پاسداران به دست آمد و بازداشت شد. او اعتراف کرد که به بهانه اخذ ویزای کشورهای اروپایی و آسیایی، از افراد کلاهبرداری کرده است.